

”

من از روایت پیشرفت،
اعتماد به نفس و
هویت را می‌گویم.
یعنی نسبت به اینکه
خودت را یک خرده
بالاتر بین و بگو
در کشوری زندگی
می‌کنم که دارد روایت
جراحی می‌سازد. ما
می‌خواهیم بگوییم
شما باید حرکت کنید
و متوقف نیستید؛
امید داشته باشید،
اینکه مسأله‌هایتان را
می‌توانید حل کنید و
ضریب بدهید

عقبیم. اگر دعوا سر این کلمات است، ما عقبیم ولی اگر ماسی هستیم و تا صفاصله داریم، باید به اندازه‌سی، انرژی مثبت داشته باشیم. بگوییم من یک نصر اصفهانی در اصفهان دارم، چرا یک دانه داشته باشم، ۱۰ تا داشته باشم. یک دانه بهاروند نداشته باشم، صدتا داشته باشم. ما الان سی جمهوری اسلامی را هم نمی‌بینیم.

جریان رقیب ما می‌خواهد نقطه قوت ما را تبدیل به نقطه ضعف ما کند، یعنی می‌خواهد به دانش آموز ما بگوید که توداری در یک زمین سوخته زندگی می‌کنی. معلم ششم ابتدایی به من گفت دانش آموزانم به من می‌گویند یک چیزی به ما یاد داده که ما از ایران برویم. این را دانش آموزی دارد می‌گوید که به فاصله مثلا صد کیلومتری با بهیار صنعت است. من در مقابل این گفتمان و این دیالوگ هستم؛ اگر این دانش آموز بداند و برود بهیار صنعت را در اصفهان ببیند که دارد شتاب دهنده خطی می‌سازد، درس خواندنش و نوع نگاهش به کشورش متفاوت می‌شود. اگر من دانش آموزم را با یک روحیه متفاوتی بار نیاورم، اگر هم از ایران نروم، در این کشور زندگی بی‌انگیزه‌ای خواهد داشت. روایت پیشرفت، روایت فتح قله نیست که ما بگوییم تمام شد و ما خوبیم. دارد می‌گوید توداری حرکت می‌کنی و نقاط قوت داری. نقاط ضعف هم داری و پسرفت هایت را هم بین و برایش چاره جویی کن. این روایت خودمان از خودمان است. ما ابتدا باید خودمان و نقطه قوت و ضعف‌هایمان را خوب بشناسیم.

اگر این آدم‌ها بروند سراغ رُویا، مالیخولیایی و ناامیدی شوند یا نمی‌توانند تصویر درستی بسازند چون واقعیت جمهوری اسلامی را نمی‌بینند. جریان ترویج علم، پنجاه سال داشت مجله دانشمند درمی‌آورد. مثلا آمریکا می‌گفت ما روی یک جانور یا کرم داریم کار می‌کنیم که قرار است پنجاه سال آینده، برگ‌های آبی را در مریخ بخورد! بعد آدمی که امتداد همان آدم غربی است، در ایران این را می‌کند طرح جلد مجله علمی کشور اما حاضر نیست که به کسی مثل آقای بهاروند ضریب بدهد. همان سالی که آقای نصر گوساله شبیه‌سازی شده رویانا را به دنیا آورده است، هیچ ترویج‌گر علمی او را روی جلد مجله داخلی اش نیاورده که آقای نصر تو چه می‌گویی. ولی روزنامه‌های خارجی می‌گویند دیگر قرار است اصفهان را به کاشی و هنر اسلامی قرن فلان بشناسیم، قرار است اصفهان را با تصویر دانش شبیه‌سازی آن بشناسیم؛ اینها اگر روایت شود، چقدر می‌تواند به دانش آموز من روحیه بدهد؟ من از روایت پیشرفت، اعتماد به نفس و هویت را می‌گویم. یعنی نسبت به اینکه خودت را یک خرده بالاتر بین و بگو در کشوری زندگی می‌کنم که دارد روایت جراحی می‌سازد. ما می‌خواهیم بگوییم شما باید حرکت کنید و متوقف نیستید؛ امید داشته باشید، اینکه مسأله‌هایتان را می‌توانید حل کنید و ضریب بدهید. چندی پیش رهبری صحبت کردند و گفتند ما عقبیم، ما از قافله عقبیم، تازگی‌ها گفتند ما در اسلامیت هم

